نسیم جنوب

سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۰۵

شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه– ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

www nasimjonoub COM

آقای استاندار، دست بجنبانید

اعتراض رئیس ستاد پزشکیان در بوشهر:

وفاق ملی؛ دیده شدن مردم رأی نداده یا تقسیم غنایم با شکست‌خوردگان؟!



چرا رییس جمهور زیر بار نمی‌رود؟

مخالفت پزشکیان با مصوبه حجاب، نوعی هشدار است



گرامیداشت روز جهانی معلولین

غفلت از توان‌خواهان در ایران

حمایت از توانخواهان، از شعار تا عمل؟!



اهمیت شخصی و تاثیر آن بر زندگی ما

حسین زیرراهی



مشکلات پرورش میگو در بوشهر

رضا سیاوشی



چراغ چگاسه

دکتر طالب موذنی



آقای استاندار؛ مطالبات مردم جنوب را بشنوید

حجت عبداللهی‌پور



دست یاری به سمت جوانان دراز کنید

هادی برمکی

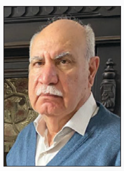


آمادگی فنی و ذهنی تیم، توأم بود با قهرمانی در جهان

علیشاه طارمی

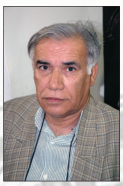


اعتماد قلعه‌نویی به محبی



روشندلی؛ بدنبال کسب روزی حلال

غلامرضا شریفی خواه



محله‌ای با خاطرات خوب در بوشهر

محمود قدسی



بوشهر؛ سرزمین ثروت‌های بی‌سهم

ولید صفری

قاتل بانوی بوشهری دستگیر شد

رئیس کل دادگستری استان بوشهر از دستگیری قاتل بانوی بوشهری با همکاری دادستانی، فراجا و اطلاعات استان خبر داد.
مهدی مهرانگیز در گفتگو با خبرگزاری صداوسیما گفت: چهارشنبه ۷ آذر خانمی با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید که باعث جریحه‌دار شدن احساسات عمومی مردم شد.
وی افزود: قاتل حرفه‌ای بود و تقریبا ردپایی از خود برجا نگذاشته بود، اما با زحمات شبانه‌روزی دادستانی، فراجا و اداره کل اطلاعات استان با شگردهای قضایی، پلیسی و اطلاعاتی قاتل امروز چهارشنبه ۱۴ آذر دستگیر شد.
وی اظهار داشت: پرونده در زمان حاضر در مرحله تحقیقات مقدماتی است، بازپرس ویژه‌ای منصوب شده که در حال رسیدگی به پرونده است و علت و انگیزه قتل هنوز مشخص نیست.

هفت عنوان کتاب در دانشگاه خلیج فارس رونمایی شد



هفت عنوان کتاب انتشارات دانشگاه خلیج‌فارس با حضور نویسندگان، مترجمان و دانشجویان در سالن ابن‌سینا این دانشگاه رونمایی شد.
رئیس کتابخانه مرکزی و انتشارات دانشگاه خلیج فارس در گفت‌وگو با ایرنا با تبریک روز دانشجو و شهادت ایام فاطمیه اظهار کرد: کتاب «رله‌گذاری و حفاظت شبکه قدرت در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی» اثر حامد گرگین‌پور، «اصول ایمنی در آزمایشگاه‌های شیمی» اثر خسرو محمدی و راضیه عظیم‌پناه، مقدمه‌ای بر روش‌های عصبی برای معادلات دیفرانسیل با ترجمه احمد شیرزادی و معصومه آشنا از جمله کتاب‌های رونمایی شده هستند.
آمنه سادات طاهریان افزود: «تاریخ ۳۰ ساله دانشگاه خلیج‌فارس» اثر حمید اسدپور، «راهنمای ایجاد کانون‌های دانایی در شهرها» با ترجمه عبدالمجید مصلح، محمد زاهدیان‌نسب و عبدالمحمد موحد، «مقدمه‌ای بر شناسایی الگو: رویکرد نرم‌افزار MATLAB» ترجمه حجت قیمت‌گر و احمد کشاورز و «زیست‌بسپارهای آبی» ترجمه احمد شادی و عمار مریم‌آبادی چهار کتاب دیگری هستند که از آن‌ها رونمایی شده است.
وی اضافه کرد: ۸۱ هزار کتاب فارسی، ۱۸ هزار کتاب لاتین و شش هزار پایان‌نامه فارسی در کتابخانه دانشگاه وجود دارد که در دسترس دانشجویان قرار می‌گیرند و همچنین دانشجویان می‌توانند از انواع سامانه‌های تامین منابع فارسی و دیجیتال، اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت کنند.

نامه سرگشاده مجمع کانون‌های بازنشستگی مشترک صندوق کشوری استان بوشهر به نمایندگان محترم استان در مجلس شورای اسلامی:

اعتراض کانون های بازنشستگی استان بوشهر به انحلال صندوق بازنشستگی کشوری

جناب دکتر موسی احمدی نماینده محترم کنگان، جم وعسلویه
جناب آقای جعفر پورکبگانی نماینده محترم بوشهر، گناوه، دیلم و خارک
جناب آقای دکتر غلامحسین زارعی نماینده محترم دشتی و تنگستان
جناب آقای دکتر ابراهیم رضایی نماینده محترم دشتستان
با سلام وتحیات، به استحضار می رساند اعلام انحلال صندوق بازنشستگی کشوری و واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه صندوق بابت بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، مطرح شده در لایحه بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۴ دولت و تصویب آن در کمیسیون تلفیق بنا به توضیحات زیر مورد اعتراض کانون‌های بازنشستگی می باشد.



۱- انحلال صندوق بازنشستگی کشوری یکی از مباحث پیچیده است و اجرای بدون مطالعه و برنامه‌ریزی علمی و کارشناسی، پیامد های گسترده ای برای بازنشستگان خواهد داشت.
۲-انحلال صندوق بازنشستگی نیازمند برنامه ریزی دقیق و فرایندی طولانی مدت و جلب نظرهمه ذینفعان است و دولت و مجلس باید نظر و مشارکت بازنشستگان را لحاظ نمایند.
۳- اموال، وجوهات و دارایی‌های صندوق ها، اموال عمومی و در حکم قانون مشاع است. دارایی‌های صندوق حق‌الناس و مقوله ای بین نسلی است زیرا از کسورات حقوق بازنشستگان دهه های گذشته شکل گرفته است و کلیه اموال آن متعلق به بازنشستگان می‌باشد بنا براین انتقال دارایی‌های صندوق و ادغام با سایر نهادهای زیر مجموعه دولت به عهده مالکین اصلی یعنی بازنشستگان است.
۴ - بازنشستگان به عنوان ذینفعان در این تصمیم گیری محق بوده و به جای این شیوه واگذاری پیشنهاد می شود که برای بهبود صندوق کشوری، مدیریتی کارآمد و توانمند با نظر بازنشستگان بر ای صندوق و شرکت‌های زیر مجموعه انتخاب نمایند. مدیران ناکارآمد با عمر کوتاه که با تغییر جناح‌های سیاسی حاکم به مسئولیت می رسند بیشترین آسیب را در طول سالیان گذشته به صندوق و سرمایه های آن وارد کرده اند.
۵- دولت‌ها در طول ۱۷ سال گذشته — از تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری تا کنون به تعهدات مالی خود نسبت به بازنشستگان عمل نکرده‌اند ازجمله: اجرای ماده ۸۵، ۶۴، ۱۲۵ و... قانون مدیریت خدمات کشوری، ناکارآمدی بیمه درمان پایه و تکمیلی، عدم اجرای دقیق و کامل قانون متناسب‌سازی مندرج در جزء(۱) بند (ر)ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت با مدل ۴۰، ۳۰، ۳۰، تأخیر چند ماهه در برگشت کسورات حقوق ماهانه به استان که هیچ توجیهی ندارد، فراموشی پرداخت معوقات و ... که همه چالش برانگیز بوده و قلب بازنشستگان را به درد آورده است.
نمایندگان محترم استان بوشهر، ما امضاکنندگان این درخواست به عنوان نمایندگان تام‌الاختیار جمعیت بازنشستگان استان بوشهرمشترک صندوق بازنشستگی کشوری، با صدای واحد اعلام می داریم بنا به دلایلی که شرح آن گذشت مخالف طرح واگذاری اموال منقول و غیرمنقول خود به سازمان تأمین اجتماعی هستیم و به جای آن خواهان اصلاح و تغییرات بنیادی صندوق و شرکت های وابسته به آن می باشیم. از شما انتظار داریم با مخالفت خود در صحن علنی مجلس به این حرکت غیر اصولی پایان دهید و مدافع حقوق بازنشستگان باشید.

اعضاء مجمع کانون های بازنشستگی مشترک صندوق کشوری استان بوشهر: رییس هیات مدیره کانون آموزش و پرورش شهرستان دشتستان (حسین پروانه)، رییس هیات مدیره کانون آموزش پرورش شهرستان گناوه (حسین بستانی)، رییس هیات مدیره کانون آموزش و پرورش شهرستان دشتی (علیرضا رزمی‌نژاد)، رییس هیات مدیره کانون آموزش و پرورش شهرستان تنگستان (ماشالله خنیده)، رییس هیات مدیره کانون آموزش و پرورش شهرستان دیّر (علی آزاده)، رییس هیات مدیره کانون آموزش و پرورش شهرستان کنگان (محمد ادرایش)، رییس هیات مدیره کانون آموزش و پرورش شهرستان دیلم (محمدحسن تاج الدین)، رییس هیات مدیره کانون آموزش و پرورش شهر آب پخش (مصطفی نخعی)، رییس هیات مدیره کانون علوم پزشکی و خدمات بهداشتی استان (محمد مهدی خوشابی)، رییس هیات مدیره کانون جهاد سازندگی استان (داوود جعفری)، رییس هیات مدیره کانون اداره کل راه و شهرسازی (برزو هژبریان)، رییس هیات مدیره کانون اداره کل بهزیستی استان (محمد علی فقیه)، رییس هیات مدیره کانون استانداری (عبدالله روشن)، رییس هیات مدیره کانون آموزش وپرورش استان (عالی بازدار).

وفاق ملی؛ دیده شدن مردم رأی نداده یا تقسیم غنایم با شکست خوردگان؟!

دکتر عبدالرسول عمادی - رئیس ستاد مرکزی دکتر پزشکیان در استان بوشهر



یکی از مشکلات فضای سیاسی ایران این است که شعارهای انتخاباتی به درستی تبیین نمی شوند و در عمل و اجرا مورد سوءاستفاده قرار می گیرند. شعار وفاق ملی آقای پزشکیان از این جنس است..

در ایام تبلیغات انتخابات فکر می کردیم وفاق ملی یعنی این که قرار است در دولت همه‌مردم‌ایران صاحب سهم شوند و اکثریت ملت که در انتخابات شرکت نکرده‌اند هم دیده بشوند و مشارکت داده شوند و همه با تشکیل این دولت احساس پیروزی و موفقیت کنند، اما دولت که تشکیل شد و عنوان وفاق ملی به خود گرفت معلوم شد که وفاق ملی این‌گونه فهمیده می‌شود که باید مدیران دولت قبلی بمانند! و یا اگر کنار می روند هم ویرایش‌های دیگر همان جنس آدم ها بیایند اگر جلیلی مسلک هم نباشند حداقل قالیباف مرام باشند.

اصول گرایان که در هر شرایطی جریان غالب کشور هستند این بار هم ظاهرا قرار شده بود با شعار وفاق ملی در منصب‌های دستگاه‌های اجرایی باقی بمانند و طیفی که آقای پزشکیان را با خطرپذیری رئیس‌جمهور کرده‌اند هُل‌دهندگان ماشینی باشند که رفتن ماشین روشن شده را از پشت تماشا کنند و در مرحله انتخاب یا استعلام یا هر چیز دیگری نادیده انگاشته شوند.

این شد که مدیران دولت سابق به ماندن در دولت جدید امیدوار شدند و اصول گرایان این بار با عنوان وفاق ملی در دولت ماندند.

شعار وفاق ملی اصلا از کجا آمده بود؟ این شعار از دل این سخن تکرار شونده دکتر پزشکیان در ایام تبلیغات انتخاباتی درآمد که «دعوا نکنیم» چون نمی‌شد اسم دولت را گذاشت «دعوا نکنیم» لاجرم عنوان «وفاق ملی» به خود گرفت و مدیران دولت سیزدهم خوشحال شدند که قرار است با آن‌ها وفاق ملی شود و بمانند و کسی هم دعواشان نکند که این چه اسب زین شده ای است که تحویل می دهید و حالا اصلا چرا اسب را تحویل نمی دهید؟!

ستاد آقای پزشکیان را اصلاح‌طلبان اداره کردند و ایشان هم‌کاندید اصلاح‌طلبان بود اما سهم اصلاح‌طلب‌های شناسنامه دار شد تک و توکی وزیر در هیأت دولت که همان‌ها هم‌چیزی نمانده بود بیفتند.

هر چه جلوتر آمدیم وفاق ملی بیشتر خودش را نشان داد وفاق ملی یعنی در انتخاب استانداران هم سهم بیشتری به جناح رقیب داده شود! و طبعا استاندار اصولگرا هم مدیران استان را آن‌گونه بچیند که با سلیقه خودش جور در می آید.

در حالی که وفاق ملی معنایی جز این‌ندارد که همه ملت در فرایند حکمرانی کشور هم رأی و همراه باشند.

این شعار در شرایطی که اکثریت ملت ایران در امر ملی انتخابات شرکت نمی‌کردند شعاری ضروری بود برای گرد آوردن همه‌مردم حول سیاست‌های مردم‌گرایی که منافع ملی را منظور کند و به دنبال کسب رضایت اکثریت مردم از طریق اتخاذ و اجرای سیاست های ناظر به بیشترین نفع عمومی باشد.



بدیهی است دولتی که تشکیل می شود باید عوامل خود را به صحنه مدیریت کشور بیاورد تا مجریان اهدافی باشند که در انتخابات شعارش را داده‌اند و مدیرانی را که تا آخرین لحظه با نقض بی‌طرفی کوشیده‌اند رقیب را به هر شکلی پیروز صحنه انتخابات کنند از مسند مدیریت دستگاه‌ها کنار بگذارد.

وفاق ملی مطلقا ربطی به جلب رضایت جریان شکست خورده در انتخابات ندارد.

وفاق ملی به معنای وفاق میان آقای پزشکیان و آقای قالیباف نیست تا اگر آقای پزشکیان مدیر قالیبافی دستگاهی را تغییر داد آقای قالیباف هم پایش را در یک کفش کند که آقای دکتر ظریف باید از دولت برود!

وفاق ملی در نهایت یعنی دولت‌جدید با مدیران جدید از جنس شعارهای تغییر خواهانه‌اش با قدرت و اقتدار مستقر شود و رقیب انتخاباتی وسایلش را کارتن کرده دولت را تحویل دهد و دولت جدید با مدیریت در چارچوب گفتمان تغییر در کوتاه‌ترین زمان به اجرای سیاست‌هایی همت گمارد که رضایت اکثریت مردم را موجب شود.

دولتی که اصلاح‌طلبان پیروزی‌اش را موجب شوند و اصول‌گرایان منصب‌هایش را اشغال کنند هر چه باشد دولت وفاق ملی نیست.

زندگی آگاهانه

اهمیت شخصی و تاثیر آن بر زندگی ما

حسین زیرراهی - مدرس مهارتهای توسعه فردی



اهمیت شخصی آن منیتی است که ما در ذهن‌مان برای خود ساخته‌ایم و تلاش می‌کنیم از آن حفاظت کنیم. ممکن است آن‌را با کلمات دیگری مانند شخصیت، اعتبار، غرور، ارزش و غیره نام‌گذاری کنیم. ولی در اصل همه یکی است. اهمیت شخصی در حدّی که خود را دوست داشته باشیم، خواسته‌های خود را در اولویت قرار دهیم و برای خود ارزش قابل باشیم خوب است. ولی اگر از این حد بیشتر شود برای ما مشکل‌ساز می‌شود.

تاکید بر اهمیت شخصی وقت و انرژی ما را می‌گیرد. کسانی که اهمیت شخصی بالایی برای خود قائل هستند بیشتر وقت و انرژی خود را صرف پاسداری از آن می‌کنند. با دیگران بحث و لجبازی می‌کنند تا حرف خود را به کرسی بنشانند. یا مدام در ذهن خود در حال بررسی‌اند که آیا به من احترام گذاشته شد؟ شأن و منزلت من حفظ شد؟ یا صرفا می‌خواهند پوز دیگران را بزنند. وقتی که باید صرف رسیدن به اهداف و برنامه‌های خود کنند.

تاکید بر اهمیت شخصی باعث می‌شود دیگران از ما دور شوند. ناگفته پیداست که هیچ‌کس دوست ندارد با آدم‌های لجباز، خودپرست و مغرور معاشرت داشته باشد. چون دیگران می‌خواهند به نظرات آن‌ها اهمیت داده شود و از هم‌نشینی لذت ببرند. اهمیت شخصی سود و منفعت ما را کم می‌کند. به نظر شما فروشنده‌ای که با مشتری بحث می‌کند و می‌خواهد نظر خود را به کرسی بنشاند چقدر در حفظ مشتری موفق می‌شود؟ در مذاکرات کاری و جلسات هم همین‌طور است. کافی است یک‌بار با مدیر خود لج کنید تا مزه بیکار شدن را بچشید. اهمیت شخصی سدّی در مقابل یادگیری ما است. چون باعث می‌شود در مقابل پذیرش عقیده دیگران ایستادگی کنیم. یادگیری زمانی رخ می‌دهد که خود را در زمینه‌ای نادان بدانیم. حتی مهم نیست که چه کسی آن اطلاعات را به ما منتقل می‌کند. جمله ای منتسب به لئوناردو داوینچی است که می‌گوید هیچ دیوانه‌ای ندیدم که چیزی از او یاد نگرفته باشم.

چطور اهمیت شخصی را مهار کنیم که به ما آسیب نرساند؟ نخست این‌که همیشه این فرض را داشته باشیم که ممکن است اشتباه کنیم و همیشه قرار نیست حق با ما باشد. اگر بدانیم مغز بسیار فراموشکار است، اطلاعات را دستکاری می‌کند و صرفا دنبال جواب سریع است زیاد با اطمینان و یقین حرف نمی‌زنیم. دوم این‌که هیچ چیز را به خود نگیرید. حرف دیگران مربوط به خود آن‌ها است و مطلقا در کنترل ما نیست. در واقع مسئولیت آن هم بر گردن خود آن‌ها است. بنابراین اگر توهین، تحقیر، بدگویی، بی‌احترامی و هر نوع حرف یا عملی از دیگران نسبت به ما سر زد تا زمانی که خود آن‌را نپذیرفته باشیم آسیبی به ما نمی‌رساند. و آخر این‌که فروتنی بزرگ‌ترین غرور است. برای ما ارزش و اعتبار می‌سازد و بقول قدیمی‌ها ما را بلند می‌کند. اگر به خود یادآوری کنیم که ممکن است حتی یک دقیقه دیگر هم زنده نباشیم، دیگر به مال، مقام، نسب و شهرت خود مباهات نمی کنیم. مهم نیست کجای مجلس بنشینیم، میزمان چقدر باشد، کجای صف ایستاده باشیم و چندمین نفر از در وارد شویم.

مشکلات پرورش میگو در بوشهر

رضا سیاوشی



متاسفانه مشکلات پرورش میگو در چندسال اخیر بسیار بوده که باید گفت بخشی از آن بخاطر عدم مدیریت در دستگاهای اجرایی می باشد.

جدا از بحث بیماری که در چندسال اخیر وجود داشته اما عدم پیگیری جدی توسط دستگاه‌های مرتبط برای رفع مشکل و علیرغم این‌که همیشه و در مواقع تولید بالا فقط به دنبال ارائه آمار بوده از گله‌مندی پرورش‌دهندگان می باشد.

مشکل لارو با کیفیت که مورد اصلی کار می باشد و هرسال نیز افزایش قیمت داشته، عدم کیفیت غذا علیرغم قیمت بالای آن، داروهای مکملی که هیچ اثری جز سوددهی برای فروشندگان آن ندارد، عدم توجه و عدم دقت و نظارت بر تکثیرچی‌ها، کارخانه‌های غذا و تا حدودی عدم‌رعایت تعدادی پرورش‌دهندگان باعث شده که آمار تولید میگو بسیار پایین بیاید.


photo : Seyed Khalaf Hashemi

عدم لوله‌کشی آب شرب و مصرفی مزارع و عدم تامین برق کافی که در تولید تاثیر بسیار بسزایی دارد از عمده مشکلات دیگر پرورش‌دهندگان می باشد.

پرورش‌دهندگان در صنعت آبزی‌پروری همیشه مظلوم واقع شده و در صورت بروز هرگونه اتفاق و مشکلی متاسفانه بیشترین ضربه و ضرر متوجه این بخش می شود!

در آخر؛ امید می رود که با یک بررسی و یک تحقیق کامل و جامع و نشستن پای گپ پرورش‌دهندگان، عمیق‌تر به مشکلات ریز و درشت آنان پی ببرید.



چراغ چگاسه

دکتر طالب موذنی



چند شب پیش رفتم بیرون خرید کنم. دیدم که چراغ تابلوی تازه‌ساز مسقط بر فراز کوه عامرات را روشن کرده اند. یاد تابلوی چگاسه در جم افتادم که سال‌هاست خاموش است و به دلم آمد که پستی در مورد این موضوع بنویسم و از اعضای محترم شورای اسلامی شهر جم و شهردار شایسته شهرمان بخواهم که با روشن کردن این تابلوی نمادین، نماد شهرمان را منوّر کنند.

شهری که الحق و الانصاف به همت این بزرگواران و شهرداران و شوراهای سابق طی بیست سال گذشته تغییرات شگرفی داشته است. تابستان امسال به همراه یکی از دوستان ارزشمندم در یکی از جلسات شورا و شهرداری جم شرکت کردم. وقتی سه تن از شخصیت‌های شخیص شورا و شهر یعنی آقایان



سیدعلیرضا سجادی، سیدخلیل حسین‌زاده و معین راستین با یادآوری نام و حرف های حقیر، مرا به یاد جم دهه هشتاد انداختند و دقایقی بعد، ویدیویی از سیمایَ شهر دیدم و ناخودآگاه آن را با آن سال ها مقایسه کردم، از شوق تحولات اشک از چشمانم جاری شد. در حالی که در فضایی منتقدانه قرار داشتم، جایی که هر خبرنگاری نقدی در ذهن داشت و حفظ ظاهر، صلاح بود، ولی نتوانستم احساسم را کنترل کنم.

به چگاسه بازگردم. در جهان، شهرهایی هستند که چنین تابلوهایی را بر فراز کوه‌ها یا تپه‌های مشرف به شهر نصب کرده‌اند که به تنهایی هویت و شناسنامه‌ی آن شهرها را به نمایش می‌گذارند. برای جم، چگاسه چیزی فراتر از یک نماد است. چگاسه جلوه‌ای از زیبایی، قدرت و پایداری این شهر است. این تپّه نه‌تنها پیوندی عمیق با تاریخ و جغرافیای استراتژیک جم دارد، بلکه صدایی است که می‌گوید: حتی پس از گاز و پتروشیمی، اقتدار جم همچنان استوار است. چراغ روشن چگاسه، مشعلی از تعادل بین طبیعت بکر و شهرسازی نوین در جم را نشان می‌دهد. چگاسه، پررنگ‌ترین نشانه‌ی تمایز جم از دیگر نقاط استان بوشهر است، تصویری که هویّت یگانه‌ی این شهر را در آغوش طبیعت تعریف می‌کند. وجود چگاسه در جم استان بوشهر به زبان بی‌صدا می‌گوید که جم، نه چَون دشتی و دشتستان، دشت است و نه همچون تنگستان و تنگِ اِرَم، تنگه و در تنگنای کوه‌ها گرفتار. چگاسه، نماد کوه و شکوه جم است، نشانی که روز و شب این شهر را معنا می‌بخشد و با فروغ خود، هویت



و زیبایی این شهر را روایت می‌کند. برازنده است که این نماد، روشن شود و چون نگینی درخشان بر پیشانی جم بدرخشد.

پیشاپیش از تلاش‌های ارزشمند شهرداری و شورای اسلامی شهر جم در پاسخ به این درخواست صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از محمد حاج جعفر سالاری، بابت تهیه تصاویر تشکر می کنم.



غفلت از توان‌خواهان در ایران

حدیث شادی-کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی



یکی از ضروری ترین مسائل اساسی که جهان امروز با آن روبرو است پدیده‌ای است تحت عنوان حقوق معلولان. معلولین به عنوان انسان دارای حقوق انسانی می باشند. مسلماً، حق حیات اولین حق هر انسان است. وظیفه جامعه و دولت است تا کوشش نمایند بستری را باز نمایند تا حقوق انسانی افرادی که دارای هر نوع معلولیت هستند به خوبی ضمانت اجرایی داشته باشد.

در ایران سابقه تدوین قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ایران، به سال های منتهی به سال ۸۳ (حدود ۲۰سال پیش) باز می‌گردد. زمانی که مسئولان سازمان بهزیستی کشور به این توافق رسیدند که باید یک سند قانونی برای پیشبرد اهداف حوزه معلولان در دست داشته باشند. بعدها پس از بازنگری و تدوین نهایی، این طرح به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ماده ۱ و ۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولین تاکید می‌کند دولت موظف است زمینه های لازم را برای تأمین حقوق معلولین، فراهم و حمایتهای لازم را از آنها به عمل آورد. کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها، اماکن عمومی، معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای معلولین همچون افراد عادی فراهم گردد و یا ماده ۷ این قانون مطرح می‌کند دولت موظف است جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد معلول تسهیلات لازم را مبذول نماید.

مدیران ارشد جامعه از توانبخشی معلولین سخن‌ها فراوان می‌گویند در حالی که برای رسیدن به این هدف مهم ابتدا باید مسایل و نیازمندی‌های آنها شناسایی و سپس برای رفع آن، اقدامات لازم صورت گیرد. همچنین نیاز به مداخلات و ابزارهای می باشد چرا که فضاهای شهری و بیرون از خانه فاقد شرایط لازم برای حضور این قشر در جامعه می باشد. مسایل مختلفی وجود دارد که زمینه را برای احقاق حقوق معلولین و توانبخشی آنها سخت نموده است. مواردی از قبیل: مناسب نبودن فضاهای شهری، عدم حمایت مناسب بیمه‌ها و خدمات درمانی، فقر خانواده‌ها، ناتوانی در تأمین هزینه ها، محدودیت در تعاملات اجتماعی اعضای خانواده، هزینه بر بودن عادی‌سازی فعالیت معلولین، نبود راهبردهای مناسب درخصوص معلولین و... فرایند حضور معلولین در فضاهای اجتماعی را با مشکل مواجه می‌سازد. کشور ما بر خلاف جوامع توسعه‌یافته نتوانسته است کیفیت زندگی این افراد و خانواده‌های آنها را فراهم نماید.

هرچند تاکنون، خصوصاً بعد از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تغییرات خوبی در شکل ورودی ساختمان‌های ادارات و سازمان های دولتی در کشور، جهت تسهیل تردد معلولین صورت گرفته است اما کافی نیست. دیده شده که بعضی مؤسسات خیریه، با تحویل هر هزار عدد، درب پلاستیکی بطری‌های نوشیدنی، یک عدد ویلچیر اهدا می کند. یا این‌که در ثبت نام معلولین حرکتی، هیچ تفاوتی با دانش‌آموزان بدون معلولیت در مدارس عادی دولتی وجود ندارد، اما این اقدامات، تنها می تواند قطره ای از دریای مشکلات معلولین را مرتفع نماید.

هر چند تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه در دو دهه اخیر سبب شده که اشخاص معلول به میزان قابل توجهی در جامعه جذب شوند، اما برخی موانع، از حضور این قشر در جامعه جلوگیری می کند. معلولین نه تنها به لحاظ تاریخی مورد غفلت واقع شده اند و در نظام برنامه ریزی و سیاست گذاری اجتماعی جایگاهی نداشته‌اند، بلکه علیرغم شناسایی شرایط سخت زندگی آن‌ها، هنوز در بسیاری از کشورها از جمله ایران در اولویت برنامه ریزی قرار ندارند. در اکثر موارد دچار به فقر و بیکاری شده اند. آسیب‌پذیر بودن بیش از حد معلولین، منجر به انزوای اجتماعی آن‌ها می شود و اغلب آن ها عملاً قادر به مشارکت در امور اجتماعی نمی باشند. مساله حمایت از افراد دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در مراحل اولیه پیشرفت قرار دارد.

امروزه، در عصر دیجیتال و ظهور هوش مصنوعی، مقایسه مشاهدات حضور معلولین در کشورهای توسعه یافته با ایران در نگاه اول ممکن است این ذهنیت را ایجاد نماید که تعداد معلولین کشور ما کمتر است. در حالی که شرایط حضور معلولین در فضای عمومی در ایران فراهم نمی باشد. اکثر این افراد حتی برای رفع نیازهای اولیه خود به تنهایی نمی‌توانند از منزل خارج شوند از این رو، فضاهای شهری مناسب از عناصر مهمی که می تواند اشخاص معلول را به جامعه برگرداند و حتی با برنامه ریزی صحیح می توان این قشر را از انزوا خارج ساخت و از حضور فعال و مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی- اقتصادی بهره گرفت. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که معلولیت بیشتر از آن‌که مسئله ای فردی باشد یک مسئله اجتماعی است. حمایت از معلولین نیازمند به سیاست‌ها و برنامه‌هایی است با رویکردی اولاً پشگیرانه، تا با ارتقای سطح سلامت جامعه، برنامه‌های اجتماع محور، آموزش از طریق رسانه‌ها از رشد معلولیت جلوگیری شود و ثانیا با فراهم نمودن و مناسب‌سازی فرصت‌های اجتماعی شرایط عادلانه‌ای را برای حضور و مشارکت فعال و پررنگ معلولان فراهم آورد.

این امر نیازمند تغییر در نگرش مسئولین و کارفرمایان نسبت به حقوق معلولین و اجرایی کردن قوانین موجود است. در برخی جوامع با افراد دارای معلولیت به نحوی برخورد می‌شود که آنها را ناتوان جلوه داده و فعالیت‌های اجتماعی و حضور در اجتماع را از آنها سلب می کنند و یا به نحوی با آنها رفتار می‌شود که خودشان از حضور در جامعه احساس خوبی نداشته باشند و ترجیح دهند در خانه بمانند. آن‌چه ضروریست فراهم نمودن بستر فیزیکی غنی و متناسب جامعه جهت بروز و بلوغ توانمندی های معلولین است. آن‌چنان‌که علیل بودن عضوی از بدن این افراد، علت علیل بودن مطلق و یا نسبی بقیه اعضای بدن این افراد نشود بلکه منشاء کاربرد قدرتمندانه دیگر اعضای بدن شان شود.

عباسی سرپرست شهرداری عالیشهر:

تشریح برنامه‌های عمرانی شهرداری عالیشهر



مهندس حسین عباسی سرپرست شهرداری عالیشهر با تاکید بر تکمیل پروژه‌های عمرانی ناتمام، برنامه‌های عمرانی خود را نیز تشریح کرد.

سرپرست شهرداری عالیشهر عنوان کرد: احداث پارک تفریحی گردشگری واقع در خیابان نیایش جنب چمن مصنوعی ۹نفره، احداث خیابان سلامت از موارد مهم برنامه‌های عمرانی است.

عباسی گفت: اجرای تدوین طرح جامع زیباسازی و مبلمان شهری عالیشهر با اخذ مشاور ذیصلاح مجرب ازجمله پروژه‌های مهم مبلمان شهری می باشد.

وی افزود: اخذ زمین از شرکت عمران شهر عالیشهر جهت احداث ساختمان جدید شهرداری نیز از دیگر پروژه‌های مهم عمرانی می‌باشد که در دستور کار شهرداری است. عباسی در پایان ضمن تشکر از تعامل و حمایت‌های اعضای محترم شورای شهر و تلاش و کوشش پرسنل زحمتکش شهرداری، ارائه خدمات متوازن و به تناسب عدالت در همه فازهای شهر عالیشهر را مهم ترین هدف کاری خود دانستند.

رویکرد تعاملی بین مجموعه شهرداری عالیشهر و شرکت عمران

جلسه هم اندیشی مشترک شهرداری عالیشهر، شرکت عمران عالیشهر و با حضور رئیس و اعضای شورای اسلامی وسرپرست شهرداری، با هدف هماهنگی و تعامل هر چه بیشتر مدیریت شهری در خصوص مسائل جاری و پروژه های در حال اجرای شهری در محل شورای اسلامی شهرعالیشهر برگزار شد.

مهندس حسین عباسی سرپرست شهرداری عالیشهر با تاکید بر همکاری و هم افزایی دو مجموعه شهرداری و شرکت عمران عالیشهر بیان کرد: زیرساخت ساختمان اداری شهرداری، تعیین تکلیف برای ساخت فاز ٦، سازمان دهی فاز ٤، حل مشکل و معضلات فاضلاب شهر، احداث شروع پارک محله‌ای و... باید در دستور کار قرار گیرد.

عبدل حیدرزاده رئیس شورای اسلامی در شهر عالیشهر نیز در این نشست عنوان کرد: باید در پیشرفت شهر با همدلی و تلاش مضاعف به خدمت رسانی به مردم پرداخت، خدمت رسانی به مردم باید در اولویت قرار گیرد.

جهانبخش تلشکی مدیرعامل شرکت عمران عالیشهر با بیان این‌که در کمک و تعامل با شهرداری دریغ نخواهیم کرد، اضافه کرد: راه اندازی و واگذاری زمین به تعاونی مسکن به همه ادارات شهر، همکاری و مدیریت در ساخت پارک ها، پیگیری سالن ورزشی، تکمیل پروژه بلوار دانشجو، حل مشکلات فاضلاب شهری عالیشهر، از جمله کارهای انجام شده می باشد و به جرات باید گفت منسجم ترین شهر در شهرهای جدید کشور، عالیشهر می باشد.

استاد حقوق اساسی:

مصوبه حجاب را به رفراندوم بگذارید

یک استاد حقوق اساسی از قانون‌گذاران خواست تا مصوبه حجاب را به رفراندوم بگذارند و در صورتی که اکثریت به آن آری گفتند، اجرایش کنند.

به گزارش فرارو؛ اکبر گرجی، استاد حقوق اساسی در «ایکس» نوشت: «یک راه برای پذیرش اجماعی و بی‌دردسر این مصوبه عفاف وجود دارد: همه‌پرسی.» گرجی تأکید کرد: «به نام اصل ۵۹ قانون اساسی کل این مصوبه را به رای مستقیم مردم بگذارید. اگر اکثریت مردم به آن آری گفتند با خیال راحت آن را اجرا کنید.»

اعتراض جمهوری اسلامی به قانون حجاب؛

با جریمه جامعه باحجاب نمی‌شود

روزنامه جمهوری اسلامی از قانون حجاب انتقاد کرد.

به گزارش جمهوری اسلامی، قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به لایحه حجاب، به گونه ای است که معتقدان به وجوب حجاب و باورمند به رعایت قانون را هم به اما و اگر می‌کشاند. در اجرای آن موضوعاتی است که نمی‌توان بر آن چشم بست. به ویژه این وقتی می‌بینیم کسانی معرکه‌گردان ماجرا شده‌اند که کشور را صحنه معرکه‌های خود می‌خواهند. انگار زیستِ این جماعت و آرامش‌شان در ناآرامی دیگران است. بی‌توجه به تجربه‌هایِ گذشته، می‌خواهند به آزمونی جدید دست بزنند. بگیر و ببند و جریمه کن قطعا نمی‌تواند به احیای این واجب الهی بیانجامد. اگر می‌شد، امروز حسرتِ حجاب قبل از ۱۴۰۱ را نمی‌خوردیم.

هنوز کار شروع نشده، مردم به طنز می‌گویند بعد از این برای ازدواج باید خلافی دختران را هم گرفت. مثل خودرو که قبل از معامله باید خلافی آن را گرفت و تسویه کرد. واقعا به این مسائل توجه و نسبت به آن تامل شده است؟ به این فکر کرده‌ایم که مردم جریمه را فقط به حساب قانون نمی گذارند که از اعتبار دین هم برایش هزینه می‌شود؟

باید به آن‌چه حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند و در صفحه ایشان در شبکه اجتماعی «ایکس» آمده است، توجه کرد «باید توجه داشت مسائلی مانند حجاب و امثال آن با بگیر و ببند حل نمی‌شود، با ادب و عدل حل می‌شود.» عدالت بورزیم، حق را به حق‌دار برسانیم تا صاحب حق در کنار ما بایستد. ادب در کار کنیم، تا پاسخ مودبانه بگیریم. به مهر سخن بگوئیم تا مهربانی را از دیده و دل مردم تراوا ببینیم. معیشتِ خلق را درست کنیم تا به سمت معاد توجه کنند و بَندگی خالق را با افتخار به عمل درآورند.

برادری‌مان را ثابت کنیم نه طلب نکرده ارث و میراث برای ما در نظر بگیرند. جز این باشد نتیجه موفق نخواهد بود. هرچه را هزینه کنیم عین سرمایه‌سوزی خواهد بود. تکریم مقام زن و تعظیم جایگاه شکوهمند حضرت زهرا، مودب سخن گفتن و مؤمنانه رفتار کردن است. قدرت را اگر نا به جا استفاده کنیم به اقتدار نخواهد انجامید بلکه قلدری پدید خواهد آمد که بسیاری را به مواجهه برخواهد انگیخت. گذشته را بخوانیم و عبرت‌ها را نو به نو به یاد آوریم. این خیلی بهتر است.

آقای استاندار؛ مطالبات مردم جنوب را بشنوید

حجت عبداللهی‌پور



جنوب استان بوشهر که در خود خوان پرنعمت صنعت را جای داده و در کنار آن به‌دلیل برخورداری از ظرفیت‌ها و جاذبه‌های طبیعی بی‌بدیل فرصت‌های بسیاری را برای توسعه متوازن و اشتغال‌زایی دارد اما همچنان به دلیل سرپیچی صنعت از اجرای صحیح مسئولیت‌های اجتماعی و تعهدات خودرو برابر جوامع پیرامونی و ملزم دانستن خود به اجرای قوانین مصوب در حوزه اشتغال جوانان بومی در صنایع و همچنین کوتاهی متولیان گردشگری در تکمیل زیرساخت‌های گردشگری این منطقه، توسعه به معنای واقعی در جنوب استان اتفاق نیفتاده است و همین توسعه‌نیافتگی زمینه بروز خیلی از مسائل و مشکلات را در این منطقه تشدید کرده است.

بیکاری و آفت‌خیزی و افزایش آسیب‌های اجتماعی یکی از رهاوردهای توسعه‌نیافتگی جنوب استان است. جوانانی که اغلب تحصیلات دانشگاهی دارند، اما چون پارتی ندارند و آقازاده نیستند، باید به شغل‌های کاذب و گاه پرخطر روی بیاورند یا بیکار می‌مانند و برای تحمل شرایط سخت به تفریحات نامناسب و پرآسیب کشانده می‌شوند. بدون‌تردید اگر مصوبه نفت در حوزه استخدام نیروهای بومی در صنایع پتروشیمی و شرکت‌های نفتی در جنوب استان اجرایی شود، سهم قابل توجهی از جوانان جنوبی به‌ویژه جوانان عسلویه و کنگان صاحب شغل می‌شوند.

از این‌رو، از استاندار بوشهر که بر لزوم به‌کارگیری جوانان در صنایع تاکید ویژه‌ای دارد و همچنین موسی احمدی نماینده مردم جنوب استان در مجلس شورای اسلامی انتظار می‌رود که با توجه به حضور صنعت گاز و پتروشیمی در عسلویه و کنگان، برنامه‌های مؤثری برای ایجاد اشتغال پایدار برای جوانان این مناطق طراحی و اجرایی کنند. قطعا صنایع با ایجاد کارگاه‌های آموزشی و تسهیل دسترسی به مشاغل مرتبط با صنعت می‌توانند به کاهش بیکاری در این منطقه کمک کند و بخش قابل‌توجهی از نیروهای فنی و اداری خود را از بدنه نیروهای بومی استان تامین کنند.

البته بیکاری یکی از معضلات کنونی جنوب است، کمبود زیرساخت‌های بهداشتی و امکانات درمانی دیگر معضل چالش‌برانگیز این منطقه است که متاسفانه به‌دلیل کمبودهای درمانی و بهداشتی، ماهانه درمان شمار قابل توجهی از ساکنان و کارکنان شهرهای جنوبی ناتمام می‌ماند و برخی از آن‌ها جانشان قربانی همین کمبودها و نبودها می‌شود. از این رو، با توجه به جمعیت رو به رشد و حضور خانواده‌های صنعتی در کنگان و عسلویه، نیاز به تأسیس و ارتقاء بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی وجود دارد. ساخت بیمارستان جدید در کنگان و بهبود خدمات درمانی از جمله نیازهای فوری است.

کمبود مدارس و امکانات آموزشی نیز از دیگر چالش‌های اصلی این منطقه است. با توجه به کمبود بارز مدرسه در جم و عسلویه و کنگان، ضروری است که برنامه‌ریزی مناسبی برای ساخت مدارس جدید و همچنین تأمین امکانات پژوهشی و آموزشی در مراکز آموزشی این شهرستان‌ها صورت گیرد.

فقر فضاها و سالن‌ها و ورزشگاه‌های ورزشی در جنوب استان، دیگر مسئله‌ای است که به شیوع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در این محیط صنعتی منجر شده است. بدون‌تردید ساخت ورزشگاه‌های استاندارد در کنگان و عسلویه و ... می‌تواند ضمن ترویج ورزش و فعالیت‌های فرهنگی، کمک شایانی در کنترل آسیب‌ها و آفت‌های اجتماعی کند. همچنین، ایجاد مجتمع ورزشی مدرن می‌تواند فضایی مناسب برای برگزاری رویدادهای ورزشی و فرهنگی فراهم آورد.

توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و هنری نظیر نگارخانه، پلاتو، سینما، کتابخانه و همچنین بهره‌برداری از مجتمع



فرهنگی هنری عسلویه دیگر مطالبه جدی مردمان جنوب استان از استاندار و نماینده مردم شهرستان‌های جنوبی در مجلس شورای اسلامی است. ایجاد و توسعه این فضاها ضمن مهارت‌آموزی و پرکردن اوقات فراغت ساکنان و کارکنان جنوب استان به نحو مطلوب، نقش بسنده‌ای را در کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهد داشت و به توسعه فرهنگی این منطقه منجر خواهد شد.

گردشگری که ابتدای یادداشت هم به آن اشاره شد، در کنار صنعت، ظرفیت کم‌نظیری برای ایجاد توسعه در جنوب استان است اما متاسفانه زیرساخت‌های گردشگری در این منطقه همچنان الکن و ناقص مانده است، این در حالی است که در جنوب استان جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی منحصربه‌فردی وجود دارد که با برنامه‌ریزی هدفمند می‌توان انواع گردشگری را از گردشگری فرهنگی گرفته تا صنعتی در این منطقه توسعه داد و از این مسیر، فرصت‌های شغلی جدید برای جوامع محلی ایجاد و پویایی اقتصاد آن را فراهم کرد.

امید است که ارسلان زارع که نگاه ترقی‌خواهانه‌ای به جنوب استان دارد و نمایندگان مجلس با در نظر گرفتن این موارد، اقداماتی مؤثر برای ارتقاء سطح زندگی مردم جنوب استان بوشهر انجام دهند. این اقدامات نه تنها به توسعه اقتصادی این منطقه کمک می‌کند بلکه باعث افزایش رضایت و امیدواری مردم نیز خواهد شد./عسلویه آنلاین

چرا رییس جمهور زیر بار نمی‌رود؟

مخالفت پزشکیان با مصوبه حجاب، نوعی هشدار است

هومان دوراندیش

انتقادهای فراوان از قانون عفاف و حجاب، باید به‌مثابه نوعی دماسنج اجتماعی قلمداد شود. اعضای هیات حاکمه در هر کشوری، معمولا تماس و تعامل مستقیم و مکرری با مردم کوچه و خیابان ندارند. بنابراین ناچارند با نظرسنجی و همه‌پرسی و پایمال نکردن آزادی بیان، صدای مردم را بشنوند.

مردم البته هیچ‌وقت یک‌صدا نیستند. از جامعه صداهای گوناگونی به گوش هیات حاکمه می‌رسد. صدای اکثریت، صدای اقلیت. شنیدن هر دو صدا مهم است، ولی غالبا باید به صدای اکثریت تن داد. مگر این‌که اکثریت در پی نقض حقوق بنیادی اقلیت باشد.

درباره قانون عفاف و حجاب، به نظر می‌رسد نویسندگان و طرفداران این قانون هم می‌دانند اکثریت جامعه مخالف آنند. و دقیقا چون می‌دانند اکثریت چه نظری دارد، حاضر نیستند «مسألهٔ شال» را به رفراندوم بگذارند!

چند سال قبل، زنانی که شال‌های شیک بر سر داشتند و نیمی از مویشان هم پیدا بود، با تذکر گشت ارشاد مواجه می‌شدند. ولی الان کار به جایی رسیده که همان شال شیک و رنگیِ نیم‌بند و نصفه‌نیمه هم نوعی «حجاب» قلمداد می‌شود و منعی ندارد.

غرض این‌که، بر فرض محال اگر الان نمایندگان مجلس بخواهند رفراندومی هم برگزار کنند، ضرورت رعایت «حجاب شرعی» را به رأی نمی‌گذارند؛ ضرورت شال برسر داشتن را به رأی جمهور می‌گذارند.

به هر حال به نظر می‌رسد که بر مدافعان قانون عفاف و حجاب هم معلوم است اکثریت مردم قانون آن‌ها را خوش ندارند. وگرنه دلیلی نداشت لایحه ارسالی قوه قضاییه را در پستوهای مجلس بررسی و تکمیل کنند.

آن‌چه معلوم نیست، چه بر مدافعان این قانون چه بر مخالفانش، واکنش مردم به این قانون است؛ مردمی که به دلایل گوناگون از وضع موجود ناراضی‌اند و وقتی با جریمه‌های مالی سنگین این قانون مواجه شوند، قطعا ناراضی‌تر هم خواهند شد.

نارضایتی و خشم از این جریمه‌ها، البته دامن‌گیر افراد و خانواده‌های طرفدار جناح راست رادیکال نیز خواهد شد. کسی که خودش یا همسرش در انتخابات به سعید جلیلی رأی داده، لزوما دختر همیشه‌باحجابی ندارد و اگر دارد لزوما طرفدار اجبار نیست.

چنین فردی ممکن است راننده اسنپ یا مغازه‌دار باشد و نخواهد یا نتواند مدام مشتریانش را مجبور کند که شال‌برسر در ماشین‌اش بنشینند یا در مغازه‌اش بایستند.

خلاصه این‌که، جریمه‌های عجیب این قانون ممکن است گریبان طرفداران قانون عفاف و حجاب را نیز بگیرد.

اما معقول است اگر فرض کنیم این جریمه‌ها عمدتا شامل حال خانواده‌ها و افرادی می‌شود که طرفدار جناح اصول‌گرا نیستند. در این صورت سوال این است که واکنش افراد ناراضی از این قانون چه خواهد بود؟

مدافعان قانون عفاف و حجاب قاعدتاً امیدوارند واکنش شدیدی رخ ندهد. ولی آیا آن‌ها وقتی از تداوم حضور گشت ارشاد در خیابان‌ها دفاع می‌کردند، احتمال می‌دادند وقایع نیمه دوم سال ۱۴۰۱ رقم بخورد؟



انتقادهای گسترده‌ای که در چند روز اخیر از سوی سیاسیون و روشنفکران و اندیشمندان و روزنامه‌نگاران و شهروندان نامشهور (در فضای مجازی) متوجه این قانون شده، در واقع نوعی هشدار به هیات حاکمه است نسبت به احتمال تکرار وقایعی مثل اعتراضات آبان ۹۸ یا پاییز و زمستان ۱۴۰۱.

منتقدین داخلی قانون عفاف و حجاب، به مراتب بیش از مدافعان اصلی این قانون در سطح جامعه حضور دارند و نظرات مردم عادی را رو در رو می‌شنوند. اتفاقا بسیاری از این منتقدین، در قبال تحولات سیاسی کشور، و در پاسخ به سوال مشهور «چه باید کرد؟» موضع‌گیری محافظه‌کارانه‌ای دارند. بنابراین وقتی انبوهی از این منتقدین نارادیکال با این قانون مخالف‌اند، به نظر می‌رسد که هیات حاکمه باید این مخالفت را نوعی هشدار نسبت به عواقب اجرای این قانون بداند؛ چراکه منتقدین مذکور، اپوزیسیون نظام نیستند.

البته پزشکیان و همفکرانش در دولت، به عنوان بخشی از هیات حاکمه، مخالف اجرای این قانون‌اند. باید دید که نهایتا حرف آن‌ها به کرسی می‌نشیند یا نظر «اکثریت هیات حاکمه»؟

مخالفت پزشکیان با اجرای این قانون هم در واقع نوعی هشدار نسبت به عواقب آن است. نمی‌شود بنزین را گران کرد و در عین حال مصرف‌کنندگان بنزین را هم با جریمه‌های مالی سنگین مواجه کرد؛ بابت پوشش خودشان یا پوشش زن و دخترشان./ عصر ایران

مصوبه حجاب؛ نقض اصول قانون اساسی

محمد هادی جعفرپور – وکیل دادگستری

صل ۲۰قانون اساسی در مقام تبیین حقوق اساسی ملت برخورداری از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...را در زمرهٔ حقوق مسلم مردم تعریف و در اصل۲۲ صیانت از حیثیت، جان و مالِ ملت و تامین حقوقی مانند حق مسکن، معیشت و شغل برای مَردم تکلیف حکومت تعریف شده است.

آن‌چه به عنوان مصادیق حقوق ملت دراصول ۲۰تا۴۱ تصریح شده موید نقش مهم و غیر قابل انکار مقولهٔ امنیت در یک نظام سیاسی به عنوان یکی از مصادیق حقوق انسانی است.

در مقام تاکید بر این امر اصل ۱۱۳قانون اساسی دولت را مسئول اجرا و اعمال مفاد این دانسته، عطف به این اصول رییس‌جمهوری به موجب اصل ۱۲۱ سوگند یاد می‌کند تا پاسدار قانون اساسی باشد و در برابر ملت /رهبری/ قوه مقننه مستند به اصل ۱۲۲ مکلف به پاسخ‌گویی.

بدون تردید مقدمهٔ قابل تامل تحقق این اصول تعریفی جامع از امنیت است. در یک عبارت ساده، امنیت را مصون ماندن حقوق مادی و معنوی ملت از هرگونه تعرض می‌دانند.

عطف به آن‌چه از غالب شهروندان به عنوان گلایه از وضعیت موجود شنیده می‌شود مبین اهمیت تامین حداقل‌های حقوق اساسی ملت است که بارزترین آن تامین رفاه و معیشت ملت بوده، مصادیق آن را می‌توان در تامین خوراک، پوشاک، سلامت جسمی-روانی، تحصیل، مسکن، شغل مناسب و... تعریف کرد.

تأمین این حقوق که از آن به مایحتاج اولیه بشر یاد می‌شود آن چنان بدیهی است که تئوریسین‌ها و نظریه‌پردازان جامعه شناسی سیاسی، دل‌مشغولی و دغدغهٔ مردم پیرامون چنین نیازهایی را نشانهٔ ناکارآمدی ساختار حکم‌رانی و بی‌ثباتی یک نظام سیاسی می‌دانند.

حال در شرایطی که بخش قابل توجهی از مردم از ابتدایی‌ترین شکل امنیت که همانا رفاه اجتماعی و معیشت مطلوب از طریق تأمین کالاهای اساسی و خدمات ضروری محروم‌اند شاهد انشاء لایحه‌ای موسوم به عفاف و حجاب‌ایم که مرزهای انشاء قانون را جا به جا کرده، تمام اصول قانون اساسی و اصول مسلم حقوقی را نقض می‌کند.

آن‌چه این روزها به عنوان مقررات لایحه عفاف و حجاب مورد نقد صاحب‌نظران سیاسی- حقوقی، جامعه شناسان وفعالان مدنی و رسانه‌ای واقع شده است، حکایت مشتی است نمونهٔ خروار در نادیده انگاشتن حقوق ملت تصریح شده در فصل سوم قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی و سند امنیت قضایی!

نقض حریم خصوصی افراد ملت ایران به واسطهٔ انشاء قاعده‌ای که هر شخصی حق دارد به هر طریقی از شهروندان فیلم و عکس تهیه کند، تعریف مسؤولیت کیفری برای کودکان زیر هجده سال برخلاف حدیث رفع پیامبر که شرط تحقق تکلیف را بلوغ مکلف دانسته‌اند، نقض اصل شخصی بودن قوانین کیفری در جایی که برای مدیران و متصدیان اماکن عمومی مسؤولیت کیفری تعریف شده است و نقض قواعد فقهی در تعریف حدود در فرضی که کیفر بی‌حجابی با کیفر افساد فی‌الارض یکی دانسته شده!

...و صدها مصداق دیگری از انشای قانون برخلاف اصول ۷۲ و ۹ قانون اساسی که نتیجهٔ بدیهی آن تضییع حقوق شهروندی افراد ملت ایران خواهد بود./ عصر ایران

متن سخنان هادی برمکی، از جوانان عضو ستاد پزشکیان در نشست اعضای ستاد مرکزی دکتر پزشکیان با استاندار بوشهر:

دست یاری به سمت جوانان دراز کنید

مواظب اختاپوس‌ها، منفعت‌طلبان و دوزیستان باشید





جناب آقای دکتر ارسلان زارع سلام

ضمن آرزوی موفقیت برای شما در سکانداری استان زرخیز اما مظلوم بوشهر، من به نمایندگی از نسل دهه ۶۰ و ۷۰ صحبت میکنم، نسلی که در این سالها سوخت اما به علت داشتن حجب و حیا سکوت کرد و با ناملایمات و بی‌مهری‌ها ساخت. نسلی که پوستر چسباند اما در روز شنبه پس از پیروزی، کنار گذاشته شد. نسلی که حتی در حال حاضر هم فقط جهت گرم کردن تنور انتخابات کارایی دارد و بعد از آن افراد بازنشسته و در حال بازنشستگی بر آنان ارجحیت دارند.

ما جوانان اصلاح‌طلب استان بوشهر پس از پایان ماراتن انتخابات و در جریان رقابت گزینه‌ها برای تصاحب کرسی ساختمان سرخ خیابان سنگی بوشهر در عین رصد اتفاقات تهران تا بوشهر درصدد ایجاد و حفظ انسجام و وحدت در عین کثرت با درس گرفتن از همه جنگ‌ها و دعواهای نسل‌های قبلی بوده و هستیم، تا مبادا خودمان و هم نسل‌هایمان را به پای منافع شخصی قربانی کنیم.با هم عهد بسته‌ایم که برای منافع جمعی و گروهی‌مان تلاش کنیم چرا که در دل آن منافع فردی نیز کسب خواهد شد.

و اما سخنان‌مان که زبان حال و مطالبات هم نسلان ماست خطاب به استاندار بوشهر

جناب آقای دکتر زارع

استان بوشهر به مثابه معدنی غنی از طلاست که کارگران در آن کار می‌کنند و عرق می‌ریزند و حتی کشته می‌شوند ولی بهره‌بردار کسی غیر از جنس کارگران است. سالهاست شاهد استقرار صنایع مختلف اعم از نفتی و غیرنفتی در استان هستیم با کمترین بهره‌دهی برای این دیار کهن، نام‌مان پایتخت انرژی ایران است ولی تنها آلودگی، بیماری و معلولیت‌های ناشی از صنایع مال ماست و حق آلایندگی و استخدام و انتصاب در مناصب بالا برای از ما بهتران دور از آلودگی.

لطفاً به این استثمار و بهره کشی پایان دهید تا شاید بتوانیم در شهرهای آلوده‌مان نفسی براحتی بکشیم.

جناب استاندار

شایسته نیست در این خطه ما کماکان به طرحهای توسعه راه‌های مواصلاتی دوران طلایی دولت اصلاحات ببالیم و استاندار آن دوران را «امیر کبیر» بنامیم، لطفاً شما هم پیشرو در توسعه حمل‌ونقل هوایی و زمینی اعم از آسفالته و ریلی و حتی دریایی باشید تا شما را «قائم مقام فراهانی» بخوانیم.

جناب آقای دکتر ارسلان زارع

زندگی و ممر و معاش بسیاری از ساحل‌نشینان این استان مرزی وابسته به دریاست اگر توان اشتغال صنعتی برای خیل کثیری از ملوانان و کسبه‌ی چشم به راه دریا ندارید حداقل انتظار داریم که «ته لنجی» را دریابید.

و اما کلام آخر که حرف دل ما و قاطبه‌ی حامیان دولت چهاردهم بوده، هست و خواهد بود.

جناب استاندار

در جریان مراسم معارفه‌تان از وفاق گفتید.

کدام وفاق؟ وفاق با چه کسانی؟ وفاق با کسانی که از سال ۱۴۰۰ تا همین روزهای اخیر داس در دست داشتند و نیروهای جوان اصلاح‌طلب را قلع و قمع می‌کردند؟

اصلا قلع و قمع دوستانمان ایرادی ندارد که حق پیروز انتخابات و حامیان آن هست اما رفتارهای تحقیرآمیز آنها را نسبت به همباوران‌مان فراموش نخواهیم کرد.

شما می‌خواهید با اینان وفاق کنید؟ آنانی که حتی از بودجه و امکانات دولتی هم برای تخریب کاندیدای پیروز در انتخابات دریغ نکردند و غرب‌زده و حقیر خواندندش.

با وجود جوانان اصلاح‌طلب استان بوشهر که هر کدام از آنها نسبت به قوی‌ترین مدیران آنها، سرتر هستند؛ وفاق در استان بوشهر معنا و جایگاهی پیدا نمی‌کند.

تا وقتی جوانان اصلاح‌طلب شایسته و پای کار داریم که جوانی و زندگی‌شان را پای اندیشه‌شان گذاشته‌اند، وفاق به معنای مرسوم این روزهای آن در استان بی‌معناست.

با داشتن تجربه‌های ناخوشایند در دولت‌های قبل، اینبار قاطعانه و محکم خواهیم ایستاد تا از جوانان شایسته حامی دولت و اصلاح‌طلب استفاده کنید

تا زمانی که مطالبات ما را بشنوید و از جوانان شایسته و اصلاح‌طلب در دولت استفاده کنید که مطمئنا برای توسعه استان بوشهر نیز مفید و کارآمد خواهند بود، ما در کنار شما می‌ایستیم

جناب آقای زارع برای هر منصبی از مدیران ستادی استانداری، مدیران‌کل و معاونین سازمانها و نهادها و حتی در سطح کارشناس در ادارات اگر نیرو بخواهید ما از شمال تا جنوب استان نیروی نخبه و شایسته جوان داریم. بسم الله، بخواهید تا معرفی کنیم.

همچنین دوستان همفکر و همباور جوانی داریم که مشکل اشتغال دارند و به هر دلیل نمی‌توانند شرایط ورود به ادارات را پیدا کنند، انتظار داریم شما به عنوان نماینده دولت بتوانید گوی سبقت را از امثال تاجگردون‌ها در اشتغال ایشان در حوزه نفت و گاز و انرژی بربایید چون ظاهراً نمیتوان به رییس کمیسیون انرژی مجلس دل بست.

فرماندار دولت اصلاحات و اعتدال و استاندار کنونی بوشهر عزیز با داشتن تجربه‌های ناخوشایند در دولت‌های قبل، اینبار قاطعانه و محکم خواهیم ایستاد تا از جوانان شایسته حامی دولت و اصلاح‌طلب استفاده کنید. حتی اگر از دستمان خسته شوید و ما را از درب بیرون کنید، از پنجره وارد خواهیم شد. پنجره‌ها را ببندید درب استانداری تجمع می‌کنیم....

جناب آقای زارع یک توصیه از مَن به اصطلاح جوان و دیگر دوستان جوانم به شما که نگران کارنامه مدیریتی شما هم هستیم؛ مواظب اختاپوس‌ها، منفعت‌طلبان و دوزیستان باشید.

اگر می‌خواهید دولت و خودتان در استان بوشهر موفق باشید و اسمتان به عنوان استانداری شایسته در تاریخ استان نوشته شود و فردا همانند بیانیه‌های حمایتی برای استاندار شدن، بیانیه برای مناصب ملی برایتان منتشر کنیم این افراد را از خود دور کنید و دست یاری به سمت جوانان دراز کنید.

تا زمانی که مطالبات ما را بشنوید و از جوانان شایسته و اصلاح‌طلب در دولت استفاده کنید که مطمئنا برای توسعه استان بوشهر نیز مفید و کارآمد خواهند بود ما در کنار شما می‌ایستیم اما اگر از ما روی برگردانید و دل به غیر بومی‌ها و منفعت‌طلب‌ها ببندید ما بدتر از شما روی برمی‌گردانیم.آن کاری را کنید که ما و همه حامیان دولت کردیم و با حمایت همه جانبه اجازه جولان دادن غیر بومی‌ها و غیر اصلاح طلبان را در انتخاب استاندار ندادیم.

ما آبرویمان را در کف دستمان گذاشتیم و با خواهش و تمنا مردم را به پای صندوق‌های رای کشاندیم، مسلما منافع مردم و توسعه استان برای ما از هر رییس‌جمهور، استاندار و دولتی ارجحیت دارد و عهد اخوت ما با مردم هست ولاغیر.

ما برای آنکه ایران خانه‌ی خوبان شود
خون دلها خورده‌ایم رنج دوران برده‌ایم.

منبع: پایگاه خبری تحلیلی سَلْخ

شب وفاق جوانان اصلاح‌طلب در گناوه



گذشته به دعوت دوستان هم‌باور در گناوه، آقایان سجاد ابراهیمی، هادی برمکی و شاهین جعفری به نشستی دعوت شدیم که پس از سال‌ها غربت، بوی خرداد و اندیشه‌های ناب آن را می‌داد و مهم‌تر این که قرار شد در این گردهمایی از جناب حاج مرتضی سراجی، کنشگر پیشکسوت اصلاح‌طلب، به خاطر فعالیت پنج دهه‌ای ایشان در سپهر سیاسی کشور و استان بوشهر تجلیل به عمل آید.

سزاوار است این اقدام نیکو و ارزشمند به دیگر شهرستان‌های استان نیز سرایت کند.

فرصت محدود بود و تلنباری از غصه‌ها و دردها از گذشته تاکنون در دل‌ها خفته بود، اما یک نکته که شاه‌بیت و گل نشستی بود و دوباره لب‌ها را میهمان تبسم می‌کرد، این بود که ما با دوستان و همراهان خود و حتی با قهرکنندگان برای جذب و اتصال بیشتر در انتخابات گذشته، وفاق و همگرایی داریم. ما کاری به آن دگرانی که بر ما جفا کرده‌اند، توهین و هتک حرمت کرده‌اند، نداریم. ما با پایدارچی‌ها و ستاد جلیلی هیچ نقطه اشتراکی نداریم که بخواهیم وفاق کنیم.

دوباره در مورد به‌کارگیری جوانان اصلاح‌طلب و بانوان در مناصب صحبت شد و اصلاح‌طلبانی که هم توسط حاکمیت رانده شده بودند و هم از جانب مردم فحش خورده بودند، اما با همه این ناملایمات دوباره به صحنه آمده و امیدی تازه خلق کردند. امیدی که همه مصلحان مملکت امیدوارند دوباره به یأس تبدیل نشود.

در پایان، رشته کلام بدست جناب سراجی سپرده شد.

حاج مرتضی با اشک و بغض حضار را منقلب کرد؛ از سال‌های اول انقلاب، از روزهایی که بچه‌های ملی مذهبی، نهضت آزادی و همه نحله‌های فکری کنار هم بودند.

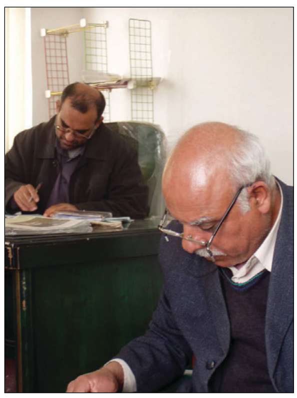
او با چشمانی اشکبار گفت: «کاش کسی حذف نمی‌شد، کاش این رویه غلط حذف، همان سال‌ها با نهیبی برچیده می‌شد و به روزگاران بعد تسری پیدا نمی‌کرد.»

این پیر اندیشمند، با یادکردی از روانشاد حاج حسن لاوری، او و نصیر را حلقه وصل همه دوستان و هم‌باورانش دانست و فقدانش را ثلمه‌ای جبران‌ناپذیر برشمرد. نقطه پایانی کلامش اشاره به قهرمان آزاداندیش، جناب مصطفی تاجزاده و آخرین جفایی بود که بر او برای تحمل ۶ سال حبس دیگر در کنار همه مرارت‌های گذشته، روا داشته شده است.

شبی خاطره‌انگیز و شورآفرین که در کنار همه بیم و امیدها، شکل گرفت.

امید که این نشست‌ها، البته با امیدی افزون‌تر به فردا، در بین هم‌اندیشان مهربان با لبخندهایی از سر شوق و ایرانی آبادتر و بوشهری توسعه‌یافته‌تر شکل بگیرد./طارمه

به یاد شادروان حسن لاوری



مرتضی زندپور: فراموش نکنیم اگر «صخره و سنگ در مسیر رودخانه نباشد هر گز صدای آب زیبا نخواهد شد».

حاج حسن لاوری همچون سرچشمه ای جوشان با طراوت و زلال بود. اسطوره‌ای از صبر، ایمان، رفاقت، صداقت، انسان دوستی و شرافت.آن چنان بردبار و مهربان که حتا از کینه توزان،کینه ای به دل نداشت. سختی‌های زیادی را تحمل کرد تا نصیر تداوم یابد. دوستانی که بعضا یاران همراه و هم باور او بودند به گرد او جمع شدند. نصیر را همچون چراغی فراروی انسان های مشتاق به آگاهی روشن کردند، چراغی که با تلاش حاج حسن و یاران او هر لحظه پرنورتر می شد، نوری که هر لحظه دل ظلمت را می شکافت و پیش می رفت و خواستگاهش انفجار نور در دل تاریکی بود. طبیعی ست ظلمت‌پرستانی هم باشند که به تاریکی عادت کرده اند، چنان‌که تابش نور چشمان تاریک بین آن‌ها را آسیب‌رسان باشد. نصیر با هدایت حاج حسن و تلاش یارانش هم چنان به پیش می راند و موانع را یکی پس از دیگری پشت سر می گذاشت تا آوازه‌اش به اطراف و اکناف رسید، مشتاقان نیز فزونی یافتند چنان که در بسیاری از محافل سخن از نصیر و قلم توانای نصیری‌یون بود. قلمی که به باور حاج حسن و همراهان باید در خدمت ایمان، صداقت، شجاعت و مردم دوستی باشد...و چنان شد که نصیر در دل دوستدارانش نور افشانی کرد و یکی از پیشتازان عرصه ژورنالیستی گردید. نام و جایگاه والای حاج حسن لاوری در یاد و خاطره خانواده گرامی‌اش، دوستان با وفا و مردم شریف و خون گرم دیارش جاودان خواهد ماند. متبرّک باد نام این عزیز سفر کرده و جانباز دفاع مقدس.

سپاس خانواده شادروان حسن لاوری از ابراز همدردی مردم بوشهر



به نام خداوند قلم

خوشا آنان که باعزت زگیتی بساط خویش برچیدند و رفتند

زکالاهای این آشفته بازار محبت را پسندیدند و رفتند

ایزد منان را سپاسگزاریم که در غمناک‌ترین روزهای زندگی‌مان ما را از نعمت حضور دوستانی مهربان همچون شما خوبان خانواده را بهره‌مند ساخت. این همدردی التیامی بر دل‌های داغدیده ما است.

ابراز همدردی و بذل محبت شما عزیزان با حضور در مراسم و مجالس ترحیم همسرم، همچنین با ارسال گل و پیام‌های تسلیت، انتشار ویژه نامه‌ها و سوگواره‌ها در مطبوعات استان بوشهر، برگزاری شب شروه در زادگاهش، لاور ساحلی موجبات غرور و افتخار این حقیر و فرزندان، خواهران و برادران مانا یاد حاج حسن لاوری را فراهم نمودند. اینک شما سزاوار قدردانی و سپاسگزاری هستید. از خداوند متعال صحت و سلامتی شما را خواهانم.

(رباب پرویزی‌زاده. همسر جانباز سرافراز و مانا یاد حاج حسن لاوری).

***

ما ز بالاییم و بالا می‌رویم

ما ز دریاییم و دریا می‌رویم

باسلام ، غم جانکاه از دست دادن برادر را فقط برادر از دست داده می داند و بس.

اینک در شب شهادت بانو حضرت فاطمه(س) گرامی داشتیم هفتمین شب درگذشت برادری مهربان و دوستی گران سنگ «حاج حسن لاوری» روزنامه‌نگاری پرشور، با شرف و با غیرت. برادری که مثل کوه می توانستیم به او تکیه بزنیم و همچون دوست پذیرای درد دلمان بود. عبور پیکرش در میان انبوه دستان دوستان با وفایش، از میان گلستان همسنگران شهیدش و آرمیدن در جوار هنرمندان هفت اقلیم، افتخاری‌ست که کمتر نصیب کسی می شود. چه نیکو خصال بود برادرم «حاج حسن» او درست می گفت: من دوستان درجه یکی دارم.

از طرف خودم، خواهران و برادران از یکایک شما سروران گرامی چه در زمان بستری شدن برادرم در بیمارستان و چه از بدو درگذشت آن‌مرحوم با ما همدردی کرده، با انتشار ویژه نامه، تراکت، بنر، پیام، دست نوشته و شرکت در مجالس، التیام بخش این مصیبت بودید، قدردانی می نمایم. صحت و سلامتی شما خوبان را از خداوند مهربان خواهانم.

(محسن لاوری)

علیشاه طارمی، مربی بوشهری تیم ملی فوتبال هفت نفره ایران، در مصاحبه با نسیم جنوب:

آمادگی فنی و ذهنی تیم، توأم بود با قهرمانی در جهان

مصاحبه از مهدی صالحی‌زاده



– سطح کمی و کیفی مسابقات جام جهانی که در بارسلون اسپانیا برگزار شد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

– سطح بازی‌های این دوره از قبل، بسیار قوی‌تر و جذاب‌تر بود. تیم‌های مطرح دنیا دور هم جمع شده بودند تا کاپ جام جهانی را تصاحب کنند.

– به جز تیم ملی ایران، چه تیم‌هایی در حد و قواره شما بودند؟

– تیم‌های صاحب‌نامی مثل برزیل، اوکراین و آلمان بهتر از تیم‌های دیگر بودند.

–روند تمرینات پیش از جام جهانی چگونه دنبال شد که به قهرمانی ختم گردید؟

– در مرحله اول ۵۵ نفر به اردوی تیم ملی دعوت کردیم. در مرحله دوم، نفرات به ۱۴ بازیکن رسید. ما در ۸ مرحله و در شروع هر مرحله به حد نصاب رسیدیم و در این بین با تیم‌های خوب تهرانی به‌خصوص تیم آسیا بازی کردیم که البته آن‌ها مشکل جسمانی نداشتند.

– گویا در این سری از مسابقات، تغییر سیستم داده بودید، درست است؟

– بله، ما در ۸ مرحله تمرینی‌مان ۵ بازیکن جدید به تیم ملی اضافه کردیم که رنج سنی تیم پایین آمد و در نهایت شاهکار بچه‌ها به ثمر نشست.

– مثل این که در این دوره از جام جهانی، حسین تیزبر به عنوان بهترین بازیکن شناخته شد؟

– این موضوع را نمی‌دانم از کجا سرچشمه گرفته است. بچه‌های ما همه ستاره بودند، به‌خصوص حسین تیزبر و حسن صفری که کاپیتان بوشهری تیم ملی بود.

– چه‌قدر کار کردید تا دفاع تیمی‌تان به حدی برسد که بدون گل خورده قهرمان شود؟

– ما با یک سیستم جدید در این مسابقات شرکت کردیم و نتایج ۸ مرحله از اردوی آمادگی فنی و ذهنی به خوبی مثمر ثمر بود که توأم بود با قهرمانی در جهان.

– از امکانات کمپ بارسلونا توضیح دهید.

– همه چیز خوب بود ولی چیزی ما را اذیت می‌کرد؛ یک مقدار غذاهای آن‌ها بود که بیشتر از گوشت خوک استفاده می‌کردند.

– از لحاظ کلاس‌بندی بچه‌ها مشکلی پیش نیامد؟

– بله، اتفاقاً مهاجم و دروازه‌بان در کلاس‌بندی دچار مشکل شدیم که این موضوع ما را ناراحت می‌کرد ولی با تلاش دیگر بچه‌ها قهرمانی حاصل شد.

– چند سالی است که تیم فوتبال هفت نفره بوشهر در ایران و تیم ملی نیز قهرمانی موفق بوده و نفرات بیشتری در تیم دارند؟

– نمی‌دانم اشکال کار کجاست. متأسفانه در این رابطه‌بایستی بازیکنی که شرایط فوتبال هفت نفره را داشته باشد، وجود داشته باشد. ما از هر نقطه استان پذیرای این عزیزان هستیم.

– در بحث بانوان هم فعالیت خواهید داشت؟

– بله، صد در صد ما همان‌طور که برای آقایان پیگیر این هستیم تا تیم قوی در مسابقات اعزام کنیم، در مورد بانوان نیز در صدد تشکیل این مهم خواهیم بود. البته به شرطی که بانوان هم‌استانی حمایت کنند.

– از جانب مسئولین کشوری و استانی برای شما پاداشی در نظر گرفته شده است؟

– والله تا به حال نه چیزی دیده‌ایم و نه شنیده‌ایم. در استان بوشهر نیز هنوز خبری نیست ولی در مرکز کشور این‌طور که شنیدم قرار است این موضوع به طور جدی دنبال شود.

– بعد از جام جهانی فوتبال هفت نفره، شما راهی ایتالیا شدید تا با مهدی طارمی، فرزندتان، دیدار داشته باشید؟

– بله، چند روزی به ایتالیا رفتم و مهدی هم به‌حمدالله خوب بود.

– شایعه پیوستن مهدی طارمی به تیم‌های حوزه خلیج‌فارس، صحت دارد؟

– والله چه بگویم، این صحبت‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرد.

– مثل جام جهانی دوره قبل، آیا مهدی تیم فوتبال هفت نفره را حمایت مالی کرد؟

– نه، امسال حمایت نکرد. روز فینال با بچه‌های تیم به صورت تصویری صحبت کرد و برای روحیه تیم بسیار خوب بود.

– صحبت پایانی؟

– ما از مسئولین استان انتظار داریم به مشکل بچه‌ها رسیدگی کنند. اکثر بچه‌های ما از لحاظ مسکن و بیکاری رنج می‌برند. وقتی با دیگر بازیکنان استان‌ها صحبت می‌کنیم، اظهار می‌دارند که در استان‌هایشان خوب حمایت می‌شوند. امیدوارم مسئولین استانی هم نیم نگاهی به بچه های ما بکنند.

اعتماد قلعه‌نویی به محبی



محمد محبی در یک سال اخیر نشان داده که اعتماد امیر قلعه‌نویی به او بی‌جهت نبوده است. ستاره سابق استقلال حالا آمار جذاب ۱۰ گل در ۲۶ بازی ملی را به نام خود ثبت کرده، آماری که برای یک وینگر موفقیت بزرگی محسوب می‌شود.

به گزارش «ورزش بوشهر»؛ محمد محبی را از زمانی به یاد داریم که به عضو شاهین بوشهر در لیگ یک بود. وقتی حدود ۱۸ سال داشت، نمایش درخشانش چشم امیر قلعه‌نویی را گرفت. به سرعت مورد توجه سپاهان قرار گرفت و آن جا زیر نظر سرمربی فعلی تیم ملی، حضور در بالاترین سطح فوتبال باشگاهی را تجربه کرد. محبی خیلی زود درهای تیم ملی را به روی خود باز کرد. درست در مقطعی که اولین فصل حضور در لیگ برتر را پشت سر می‌گذاشت و به ترکیب اصلی سپاهان رسیده بود، مارک ویلموتس تصمیم گرفت او را به اردوی تیم ملی دعوت کند. اولین بازی‌اش را هرگز از یاد نمی‌بریم؛ مقابل کامبوج و در روز پیروزی ۱۴ بر صفر ایران مقابل حریف بخت‌برگشته و شرقی خود. محبی ۲ گل زد و یک پاس گل داد تا نشان بدهد یکی از بازیکنان آینده‌دار تیم ملی است.

ستاره بوشهری کج‌دار و مریز در ترکیب تیم ملی بازی کرد تا این که امیر قلعه‌نویی جانشین کارلوس کی‌روش شد. در این بین البته محبی حضور در جام جهانی ۲۰۲۲ را از دست داد و جایی در لیست سرمربی پرتغالی نداشت. از زمان حضور قلعه‌نویی در تیم ملی، محبی یک پای ثابت اردوها بوده و البته اغلب در ترکیب اصلی هم بازی کرده است.

آمار محبی در تیم ملی به شدت جذاب است. او ۲۶ بار در ترکیب قرار گرفته و ۱۰ گل زده. آماری که برای یک وینگر، آن‌هم در حضور ستاره‌هایی که هم پستی‌اش هستند، فوق‌العاده است. او در این مدت گل‌های مهمی هم به ثمر رسانده؛ نظیر گلزنی مقابل ژاپن در مرحله یک‌چهارم نهایی جام ملت‌های ۲۰۲۳ آسیا.

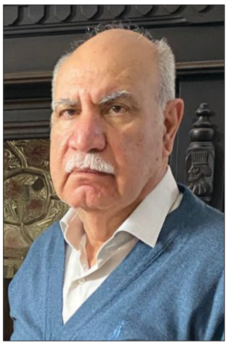
به نظر می‌رسد دلیل اعتماد ویژه امیر قلعه‌نویی به محبی، حضور مداوم در حملات و البته بازگشت او به زمین خودی و کمک به مدافعان کناری است. به همین دلیل و به جرأت می‌توان گفت اعتقادی که قلعه‌نویی به محبی دارد، حتی بیشتر از اعتماد او به دیگر ستاره بوشهری تیم ملی، یعنی مهدی قایدی است.

محبی که میان بازیکنان تیم ملی به ایران–۴۸ (اشاره به پلاک وسایل نقلیه در بوشهر) مشهور است، ۱۳ جولای ۲۰۲۳ به عضویت روستوف در آمد و تا ۳۰ جون ۲۰۲۶ به این باشگاه روسی متعهد است. هر چند بعید می‌دانیم با ادامه این روند، محبی تا پایان قرارداش در روستوف بماند و راهی لیگ معتبرتری نشود.

یادی از باقله فروش مشهور، در بندر بوشهر قدیم

روشندلی؛ بدنبال کسب روزی حلال

غلامرضا شریفی خواه



یکی از افراد زحمتکش و دوست داشتنی دوره بچگی ما در دهه سی و چهل خورشیدی آقای «کاووس کاووسی» که در شهر بوشهر ملقب بود به «قوسو، کوسو» باقله‌ای. وی روشندل نابینایی که عصا به دست و با کشیدن دست به دیوار توانست در طی فصول سال و برای کسب روزی حلال و درآمد خرج زندگی به کارهای مختلفی دست یابد.

او از نظر نیروی بدنی توانا و زورمند بود و به همین جهت می‌توانست در بعضی از شغل‌های دوره‌گردی در بازار و خیابان های شهر و کوچه‌گردی در محلات شهر را بپیماید.

شغل اصلی وی طبخ و فروش باقلا (باقله) بود و در نقاطی از خیابان دروازه جای می‌گرفت و به فروشندگی ادامه می داد. آوردن دیگ باقله، اوی چنبره ای که از حلقه پارچه ای مستعمل کوچک داشت بر سر می گذاشت و بر روی آن دیگ باقله، البته دیگ را در زنبیل حصیری و در بین دیگ و زنبیل پارچه هایی از جامه مستعمل گذاشته تا باقله اش گرم بماند و به همراه قوطی بزرگ پر از آب که محتوی آن پیاله هایی از جنس روحی (کاسه کوچک) برای فروش باقله و تمیز کردن آن‌ها، و نمکدانی بزرگ و خودساخته که در آن «اُوشه» (آویشن) که یک گیاه دارویی با طبعی گرم بود و مشتریان به همراه باقله میل می‌کردند باقله‌ای دانه درشت و خوشمزه که از شهر شوشتر آورده و پخت می گردید.

قوسو باقله ای به کارهای دیگری هم در فصل‌های پاییز و زمستان که به وسیله جعبه‌ای چوبی و کشوداری که از گردنش آویزان بود و در آن گَز سنتی و خروس قندی و نوعی شیرینی که طرفدار زیادی داشت به نام «شکرلبه» که به صورت دورگردی مخصوصاً در جاهای شلوغ شهر و در حین اجرای مسابقات فوتبال در زمین معروف فوتبالی «پاساژ ملت کنونی» که با آن صدای گیرا و رسای خود شعرهای محلی هم در رابطه با شیرینی‌هایش می‌خواند که مردم را برای خریدن دعوت نماید.

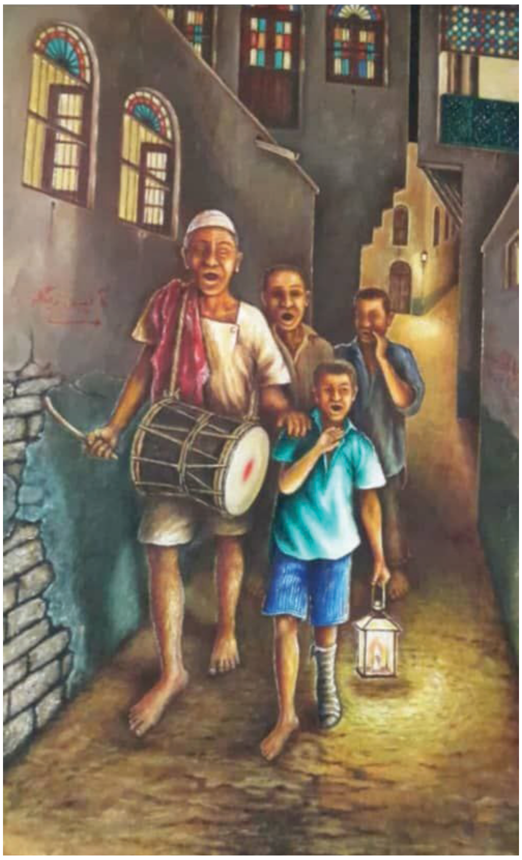
اغلب بچه‌ها از مشتریان پر و پا قرص او بودند. بلیت‌های اعانه ملی «بخت آزمایی (لاتاری) که در سال دهه چهل و پنجاه با اهدا جایزه‌های بزرگ به قیمت ۲۰ ریال به فروش می‌رسید، وی از فروشندگان آن بود. بنا به گفته معمّرین در شهر، هفته نامه «دریاکنار» یک نشریه مطبوعاتی بوشهر که از سال ۱۳۳۰ خورشیدی منتشر می‌گردید و به طرز زیبایی در خیابان‌های اصلی شهر گردیده و به فروش می رساند و با صدای بلند و دلنشین و تکرارگونه می‌گفت: «دریاکنار، خبر مهم»

یکی از آیین‌های ماه مبارک رمضان اجرای دُم دُم سحری بود و این شخصی شریف و باایمان در سحرگاهان به همراه دوستش محمدحسن عبیدی معروف به «مندو» از اهالی محله شنبدی که در کوچه گردی چهارمحل قدیمی در شهر گشت می زدند و این مراسم را به طرز باشکوهی اجرا می نمودند.

قوسو دمام بر دوش و با زدن سه ضربه به دمام، و دوستش چراغ شمعی و یا چراغ سیمی نفتی «فانوس» به دست و در کنار هم دوش به دوش در کوچه‌های تنگ و تاریک به راه می افتادند و می‌خواندند.

خداوندا تو ستاری، همه خوابند، تو بیداری و ...

قوسو (کوسو) اگر چه روشندل نابینایی بود ولی با شنیدن صداهایی از بیداری مردم در شب، برای خوردن سحری



اجرای دم دم سحری در محلات قدیم بوشهر
نقاشی اثر استاد حسین موسوی نژاد

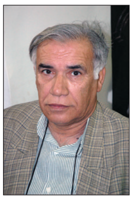
و به جا آوردن مناجات خوشحال و خوشنود می گردید و در صبح روز عید فطر دمام زنان به در خانه‌ها می‌آمد و اهالی محلات، به پاس قدردانی و سپاس به او پول نقد و یا شیرینی و یا مواد غذایی خشکه می دادند.

این بزرگوار در مراسمات اعیاد دینی و عزاداری مذهبی در مساجد شرکت داشت و در هنگام ذکر پامنبری در مسجد دهدشتی با همراه گروه، با ذاکر همخوانی می‌نمود و در سینه سنتی هم شرکت می کرد.

یادش بخیر و روحش شاد.

محله‌ای با خاطرات خوب در بوشهر

محمود قدسی



محله سنگی در بندر بوشهر را دوست دارم برای خاطرات کودکی، نوجوانی و جوانیم. برای دکون سیدمحمد و عمو رضا، دکونی که همراه با اذون صبح باز می‌شد و ساعت دوازده شب بسته می‌شد و از شیر مرغ تا جون آدمیزاد داخلش پیدا می‌شد، با دهشاهی هم می‌شد چیزی خرید و تا مدرسه باهاش مشغول بود.



سنگی را بخاطر پکوراهای ابراهیم لک که با پنج قرون دوتا پکورا و یک نون لواش و تکه‌ای لیمو سیر می‌شدی را دوست دارم.

سنگی را دوست دارم برای خیابان باریک دوطرفه‌ای که تاکسی‌های سیاه و سفید با پنج ریال مسافر را به مرکز شهر می‌بردند و ماشین‌های بنز و شورلت خالو کرم و عامو کاظم و بعدها بخشو، مسافران بهمنی و باغ ملا را با یک تومن از سنگی عبور می دادند و آن‌ها را به مرکز شهر می رسانند.

سنگی را بخاطر کوچه سیروس،کوچه سی اکبر و کوچه مدار اردی (اسیو) و کوچه نونوایی و درختان کنار و بابل‌های اطراف آن دوست دارم، بخاطر باریکشا و میدون چینی و عمارت دشتی و درختان لیلک گل ابریشم های توی عمارت های آن دوست دارم.

سنگی را بخاطر سنگ درآر سرکاری و شیر آب آبیاری و کولی های مهاجرش دوست دارم.

سنگی را بخاطر عمارت رکنی و عمارت دریابگی که بعدها مدرسه دخترانه دریابیگی شد را دوست دارم.

سنگی را بخاطر مدرسه مهران و مدرسه پهلوی و معلمان و دوستانم دوست دارم.

سنگی را بخاطر زمین‌های سرسبز و گله رجوسیاه و مندو سیاه دوست دارم.

سنگی را بخاطر تیم امید و دارایی و همه بازیکنانش از اول تا آخر دوست دارم. سنگی را برای همه قشنگی‌ها و خوبی‌هایش دوست دارم.

افزایش بیماری‌های تنفسی با سرد شدن هوا در بوشهر

معاون بهداشتی دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر گفت: این روزها با سرد شدن هوا بیماری‌های تنفسی و مراجعه مردم و به‌ویژه کودکان و نوجوانان به مراکز بهداشتی و درمانی افزایش یافته است. در صورت وجود علائم بیماری در فرزندان از فرستادن آن‌ها به مدرسه خودداری کنید تا زنجیره انتقال بیماری قطع شود.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



آقای استاندار، دست بجنبانید

علی موسوی

در حالی که بیش از صد روز از شروع بکار دکتر پزشکیان به عنوان رئیس جمهور می‌گذرد و نزدیک به یک ماه نیز از انتصاب دکتر زارع به عنوان استاندار جدید بوشهر سپری می‌شود اما در این مدت شاهد کمترین تغییر و تحول در بدنه مدیریتی استان بوشهر هستیم، این در حالی است که سیاست‌های دولت جدید به طور کلی با دولت قبل متفاوت هست و طبیعی است که اجرای این سیاست‌های جدید نیاز به مدیریت جدید دارد، این در حالی است که بسیاری از مدیران دولت قبل در انتخابات ورود مستقیم در مخالفت با پزشکیان داشتند و در مخالفت با برنامه‌های انتخاباتی وی و مایوس نمودن مردم برای رای ندادن به او، فعال بودند.



در این شرایط نباید هم انتظار داشته باشیم که مدیرانی که تا چند ماه پیش به شدت در حال تخریب پزشکیان بودند، تغییر تفکر داده و در این مدت اندک به طرفداران و مجریان سیاست‌های وی تبدیل شوند.

از این منظر از استاندار بوشهر در دولت پزشکیان انتظار داریم که هرچه سریعتر تکلیف بدنه مدیریتی استان بوشهر را مشخص نماید، مدیرانی که شایسته بوده و با دل و جان حاضر به اجرای سیاست‌های این دولت هستند، را ابقا و تکلیف جایگزینی بقیه مدیران غیرهمسو که را مشخص نماید.

نکته مهم اولویت مشخص شدن وضعیت فرمانداران شهرستان‌های استان بوشهر است، چرا که بزودی فرآیند انتخابات شورای شهرها و روستاها شروع شده و این فرمانداران هستند که باید این انتخابات را برگزار نمایند و از این‌رو چنان‌چه قصد تغییر فرمانداران غیر همسو با دولت وجود دارد، باید سریع فرمانداران همسو و یا سرپرستان فرمانداری‌ها منصوب شوند تا فرآیند انتخابات شوراها با مدیریت آنان شروع و ادامه یابد.

حمایت از توانخواهان، از شعار تا عمل؟!

قاسم محمدی

این روزها هم‌زمان با گرامیداشت هفته توانخواهان، از طرف مقامات درباره حمایت و پشتیبانی از توانخواهان و معلولین عزیز، زیاد می‌شنویم که همه خواستار. حمایت از آنان هستند، اما ای کاش بجای این همه شعار، کمی هم در عمل شاهد این حمایت از طرف مسئولان بودیم نه این‌که فقط در این هفته به فکر توانخواهان باشند.

نمونه آن در بوشهر، رها کردن پارک توانخواهان هست. این پارک در زمان شهرداری دکتر امیری در خیابان پاسارگاد در نزدیکی میدان ساعت احداث گردید و نور امیدی در دل توانخواهان بوجود آورد که بالاخره صاحب یک پارک اختصاصی با رعایت نکات ایمنی و مناسب با رعایت شرایط ویژه، شده‌اند، اما متاسفانه سال‌هاست که این پارک توسط شهرداری بوشهر رها شده و حتی یک وسیله ورزشی که مناسب توانخواهان باشد نیز در آن‌جا نصب نشده است.



کاش حالا که جناب حیدری شهردار وقت بوشهر در احداث پارک سالمندان شکست خوردند و نتوانستند یک پارک با امکانات و شرایط خاص سالمندان در بوشهر، احداث نمایند، کار شهرداران قبل را ادامه داده و این پارک توانخواهان را تجهیز می‌نمودند تا توانخواهان عزیز بتوانند به نحو احسن از این پارک استفاده کنند.

بوشهر؛ سرزمین ثروت‌های بی‌سهم

ولید صفری



در این گوشه از جنوب ایران، جایی که نسیم دریا با صدای موج‌ها زمزمه می‌کند، زندگی مردم بوشهر به رنگ خاکستری درآمده است. این‌جا نه از رنگ آبی آسمان خبری هست، نه از طراوت سفره‌هایی که روزی بوی نان گرم می‌دادند. زمین‌های بی‌حاصل و نگاه‌های خسته، تصویری از فقر و درماندگی را ترسیم می‌کنند که هر روز عمیق‌تر می‌شود.

در شب‌های بوشهر، وقتی تاریکی بر همه‌چیز سایه می‌اندازد، صدای آه مردمانی شنیده می‌شود که سال‌هاست فراموش شده‌اند. مردمی که در سرزمین ثروت و نفت زندگی می‌کنند، اما سهم‌شان چیزی جز سفره‌های خالی و آینده‌ای مبهم نیست. کودکی در کوچه‌ای خاکی می‌دود، پایش بر زمین ترک‌خورده، و نگاهش به مغازه‌ای خیره است که هیچ خریداری ندارد. مادرش، با دست‌هایی که از کار سخت پینه بسته، به دیگی خالی خیره شده و زیر لب دعا می‌خواند. در همین حال، در اتاق‌های پر زرق‌وبرق مدیران و مسئولان،



سخن از برنامه‌های بزرگ و توسعه‌های کاغذی است. آمارها بر روی کاغذ رشد می‌کنند، اما در قلب مردم، تنها حسرت و سرخوردگی ریشه می‌دواند. هیچ‌کس صدای این مردم را نمی‌شنود. هیچ‌کس از سفره‌های خالی، از اشک مادران، و از ناامیدی پدرانی که شرمنده فرزندانشان هستند، سراغی نمی‌گیرد. بوشهر، با تمام ثروت‌هایش، همچنان در سیاه‌ترین فصل معیشتی و اقتصادی خود گرفتار است. این شهر، با تاریخ پرافتخارش، حالا تنها به تابلویی بی‌رنگ از وعده‌های بی‌پایان تبدیل شده است. سیاست‌مداران می‌آیند و می‌روند، اما رنج مردم باقی می‌ماند؛ رنجی که هیچ صدایی برای فریاد کردنش نیست. بوشهر دیگر نه طعم ماهی تازه را می‌چشد، نه عطر نخلستان‌هایش آرامش می‌آورد. مردمی که روزی نماد غرور و مقاومت بودند، حالا زیر بار فشار زندگی خم شده‌اند.

این‌جا سرزمین وعده‌هاست، وعده‌هایی که هرگز به خانه‌های کوچک و دل‌های بزرگ مردم راه نیافته‌اند. بوشهر هنوز زنده است، اما نه با زندگی، بلکه با امیدی که در تاریکی دست‌وپا می‌زند.